

عرفان حسینی و عرفان‌های کاذب

یحیی جهانگیری سهروردی*

انت المونس لهم حیث اوحشتهم العوالم؛^۱
تویی مونس ایشان، آن‌گاه که عوالم هستی، آنان را به وحشت می‌اندازد.

اشاره

اینک که فرصتی طلایی برای مبلغان رسالات الهی،^۲ فراهم گشته تا تشنگان معرفت را از سرچشمه آموزه‌های عاشورایی سیراب گردانند، بجاست در بخشی از سخنرانی‌های خود، به انحرافات دینی روز نیز اشارتی کنند. از انحرافات فکری امروزین در کشور ما، پدیده ادیان جدید یا نو معنویت‌هاست. در این نوشتار ضمن معرفی اجمالی عرفان‌های نو ظهور، با مقایسه آنها با عرفان حسینی، توانمندی و سرآمدی عرفان حسینی و از طرف دیگر پلیدی معنویت‌های نو پدید را آشکار می‌سازد.

در نیم‌قرن اخیر ۱۷۳ دین و طبق آماری دیگر نزدیک به ۲۰۰ دین در طول ۲۵ سال اخیر در سراسر جهان تأسیس شده‌اند^۳ در آماری که مراکز بین‌المللی داده‌اند، اکنون ۷۰۰ فرقه در انگلستان، بین ۵۰ تا ۱۰۰ دین جدید در سوئیس و سوئد و بیش از هزار

* دبیر تحریریه ادیان جدید مجله هفت اقلیم، پژوهشگر بخش ادیان جدید پژوهشکده باقرالعلوم و بخش نو معنویت‌های معاونت تبلیغ حوزه.

۱. فرازی از دعای عرفه.

۲. اشاره به آیه ۳۹ سوره احزاب.

۳. یحیی جهانگیری، مقاله «دین هیونزگیت»، مجله هفت اقلیم، ش ۱، ص ۹.

مورد در ایالات متحده آمریکا به فعالیت مشغولند. عموم این ادیان دارای مشترکاتی با هم هستند از این رو، در علم‌الادیان به «جنش‌های نوپدید دینی = NRMs»^۱ نام گرفته‌اند.

آسیب‌های روانی و اجتماعی این ادیان، به حدی است که در برخی کشورها، صدها مؤسسه دولتی و مردمی برای برخورد با آنها به وجود آمده است، مثلاً در فرانسه، یک وزارت ضد این نوع مذاهب ایجاد شد. متأسفانه در کشور ما متولی خاصی برای برخورد با این جریانات انحرافی نیست. در حالی که در کشور ما حدود ۵ هزار سایت، چندین هزار کتاب به ترویج این نوع عرفان‌ها پرداخته و حدود هزار مرکز آموزش «یوگا» و انواع کلاس‌های تعلیم ریکی، سایکیک، انرژی درمانی، مدیتیشن و... فعال است. نماینده فرقه رام‌الله در ایران، ا.م. رام‌الله. به همراه دو خواهرش، که در ۲۳ سالگی رهبری این جریان دینی را به عهده گرفته در حال عضوگیری است. او به حدی در خود را در بین پیروانش جای داده که آنها به وی لقب «اوتاره» یعنی سرور داده‌اند. این گروه در قالب چند مجله و کتاب و سایت به ترویج کیش انحرافی خود می‌پردازند.

هر از گاهی بر روی دیوارهای شهرهای بزرگ کشور مشاهده می‌شود که عدد ۶۶۶ با اشکال مختلف نگاشته شده است. این عدد، نماد شیطان‌پرستان است که توسط گروه‌های «هوی متال»^۲ وارد ایران اسلامی شده است. و یا پوشش‌های جوانان با آرم‌ها و نوشته‌های خاص، همه و همه در راستای تهاجم نرم دشمن با ابزار عرفان‌های وارداتی است. نظر به اینکه این نوع عرفان‌ها، روحیه ابتکار، تلاش و نوآوری را از هر جامعه‌ای می‌زداید، باید به مقابله پرداخت.

چرا این ادیان پدید آمدند؟

تأثیر تمدن و تکنولوژی جدید بر دگرگونی و بهتر شدن وضع زندگی مادی بشر را هرگز نمی‌توان دور از نظر داشت، اما این واقعیت تلخ را نیز نمی‌توان کتمان کرد که غفلت آدمیان از اصلی‌ترین ساحت وجودی خود یعنی روح ملکوتی و در نتیجه

1. New Religious Movements.

۲. هوی متال (Heavy Metal) یکی از انواع موسیقی راک است که به عنوان یک سبک تعریف شده موسیقی در دهه ۱۹۷۰ پا به عرصه گذاشت.

فروپاشی بنیادهای اخلاق و معنویت در جهان معاصر، از پیامدهای دنیای ماشینی بوده است. امروزه تفکر سنت‌گرائی و بازگشت به گذشته، شعار برخی از اندیشمندانی است که در مهد دنیای ماشینی زندگی می‌کنند. در کانادا عده‌ای بنام «آمیش»^۱ در خیابان‌های شهر ظاهر می‌شوند که آن‌قدر از این دنیای ماشینی خسته گشته‌اند که حتی از اتومبیل، برق، تلفن و... هم استفاده نمی‌کنند. اگر کسی به روش زندگی اینان را مشاهده نماید خیال می‌کند که از مدرنیته خبری ندارند.

ناتوانی تمدن صنعتی در برآوردن نیازهای معنوی و ارزشی انسان معاصر و در نتیجه ظهور بحران‌ها و بن‌بست‌های بغرنج در فضای ذهن و زندگی آدمیان سبب شده است تا بار دیگر دل‌های مضطرب، به دنبال وسیله‌ای گردد تا انسان دور افتاده از اصالت‌های خویش را از گرداب وحشتناک کنونی نجات داده و به ساحت امن سعادت رهنمون شود. به دیگر تعبیر، دست‌آورد دنیای مدرن، آسایش صرف بود که آرامش را از انسان سلب کرد. اینک انسان به دنبال آرامش است. آمار فزاینده بحران‌های روانی، افسردگی، شکاکیت روانی و... همه در این راستا قابل تفسیر است. به عنوان مثال: آمار خودکشی در سراسر آمریکا از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۰۵ به طور مرتب سالانه هفت دهم درصد افزایش یافته است،^۲ افرادی سودجو وقتی به این نیاز بشر دیدند، به دکان سازی معنوی با عنوان نو معنویت و یا ادیان جدید، پرداختند.

بشر امروز، نیازمند اطمینان قلب است. و این نه با معنویت‌های جدید، که در سایه آموزه‌های اسلامی و یاد خداست: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.^۳

آرامشی که از یاد خدا حاصل می‌شود، چنان مستحکم و ماندگار است که انسان را در بحران‌های گوناگون زندگی، حفظ می‌کند، و او را بسان کوهی استوار می‌کند که هیچ طوفانی او را از پای در نیورد: «المومن کالجبل الراسخ لا تحرکه العواصف» رهبر فرزانه انقلاب با درک این واقعیت، ضرورت تبیین و ترویج معنویت اسلامی را یک وظیفه دانسته‌اند. «پیام حیات‌بخش اسلام به دنیای غیرمسلمان به ویژه جوامع

1. Amish.

۲. شبکه خبر، ۳۰ مهر ۱۳۸۷.

۳. رعد، آیه ۲۸.

صنعتی تشنه معنویت و خسته از مکاتب شکست‌خورده مادی، جزء وظایف می‌تواند باشد... گرایش به معنویت در بین آنها روزافزون است و هیچ آیین و مکتب فکری، ظرفیت اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان عصر ما را ندارد.^۱

از دیگر علل گرایش به معنویت و دین‌های جدید در غرب، سرخوردگی تاریخی آنها از دوره تاریک قرون وسطی است. آنها هنوز تفتیش عقاید، قصه گناه‌کار بودن فطری انسان، ظلم و ستم کلیسا را از یاد نبرده‌اند. مسیحیتی که دین معاد بود و بس. و از شیوه معیشت، حرفی برای گفتن نداشت. شیطان‌پرستی^۲ به عنوان دینی نوپدید، به خاطر اجتناب از کلیسا به پیروانش پلاک یا نماد «صلیب وارونه»^۳ را توصیه می‌کند که این نماد، حکایت از سرنگونی مسیحیت دارد و عمدتاً خواننده‌های راک انواع مختلف آن را به همراه دارند.

بی‌جهت نیست که در مقابل آموزه‌های اخروی صرف کلیسا، این ادیان، دنیوی صرف‌اند. کلیسا خیال کرد که با خدا یا فرزند خدا معرفی کردن عیسی علیه السلام می‌تواند روح معنویت را در کالبد بشری بدمد غافل از آنکه در مقابل آن غلو، ادیان جدیدی علیه مسیحیت به پا خاستند که حتی بهشت را نه در آسمان که در زمین قرار دادند! فرانسویس بیکن در توصیف بشر جدید غربی می‌گوید:

بشر جدید، بشری است که ملکوت آن زمین و ابزار رسیدن به این ملکوت، علم جدید است. و ابزار رسیدن به این بهشت و ملکوت، علم و تکنولوژی است. ولی بشر قدیم ملکوت بهشت خود را در آسمان‌ها می‌دید. و معراج معنوی را بازار این عروج. مثلاً عده‌ای از پیروان دین «دروازه آسمان»^۴

در ۲۸ مارس ۱۹۹۷ در ایالت کالیفرنیا عده‌ای با پوشیدن لباس مشکی و تراشیدن سرشان، دست به خودکشی جمعی زدند. رهبرشان، «مارشال هیرف اپل‌وایت»^۵ آنها را باورانده بود که ستاره دنباله‌داری به نام «هیل باپ»^۶ به وسیله یک سفینه فضایی به نام بشقاب پرنده،^۷ آنها را به بهشت جاویدان خواهد برد. بالاخره همه بار سفر بسته و با

۱. ر.ک: به سایت مقام معظم رهبری www.leader.ir

2. Satanism.
3. Upside down Cross.
4. Heavens Gate.
5 - Marshall Herff Applewhite.
6 - Hale-Bop.
7. UFO.

خود پاسپورت و مقدار کمی دلار، نیز همراه بردند.^۱ این معراج عرفان‌های مدرن و پست مدرن است! اینجا معنای جمله «رنه گنون» روشن می‌شود که گفت: جهان جدید باعث شد که عرفان‌های تقلبی در این جهان رشد پیدا کنند.

موج بازگشت به عرفان و معنویت یک موج بسیار محسوس در دنیای جدید است. از این رو، عده‌ای هزاره سوم را «عصر عرفان‌گرایی» می‌نامند.^۲ به همین دلیل است که قرآن و کتاب مولانا در آمریکا پر فروش‌ترین کتاب می‌شود.^۳

جلسات پنهانی این ادیان در مناطقی از کشور، ظهور نمادهای این نوع معنویت‌ها در انواع پوشش‌ها و... ما را بر آن می‌دارد که با تبیین پلیدی‌های پشت صحنه عرفان‌های کاذب از یک سو و نیز تشریح قامت بلند عرفان عاشورایی، جوانان را از ابتلا به این بیماری، واکسینه نماییم تا بدانند که آرامش حقیقی در سایه‌سار معنویت حسینی است: آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم

مقایسه عرفان حسینی و عرفان‌های کاذب

۱- عرفان حسینی، اندیشه‌زا؛ عرفان‌های کاذب، اندیشه‌سوز:

روی آوردن قشر وسیعی از جامعه غرب به نوشیدنی‌های الکلی و مواد مخدر برای رهایی از اضطراب و تشویش از توصیه‌های ادیان جدید است که از عوارض آن سکر و تعطیلی عقل است. ولی در مکتب اسلام هر آرامشی، مطلوب و پسندیده نیست. آرامشی که با تعطیل عقل و تفکر همراه باشد، آرامشی غیرواقعی و زیانبار است. و این، یعنی فرود آمدن بشر از ارزش‌های انسانی به حد و اندازه یک موجود بی‌ارزش و غیرعقل!

برای نمونه در غرب عالی‌ترین شیوه مراقبه عرفانی، مدیتیشن متعالی^۴ است. در مدیتیشن متعالی که به طور اختصاری از آن با (TM) یاد می‌شود، یکی از راه‌های

۱. یحیی جهانگیری، مقاله «دین دروازه آسمان»، سایت پژوهشکده علمی کاربردی باقرالعلوم www.pajoohe.com

۲. علی‌اکبر افراسیاب‌پور، مقاله «عرفان‌ستیزی در دوران عرفان‌گرایی»، مجله حافظ، نیمه اول بهمن ۱۳۸۴، ش ۲۳، ص ۲۱.

۳. روزنامه کیهان، پنجشنبه ۲۴ آبان ۱۳۸۶، ش ۱۸۹۵۰.

4. Transcendental Meditation.

تسکین دردهای روحی و روانی، تکرار مکرر وردی به نام «مانترا» است از آنجاکه این اوراد به زبان سانسکریت می‌باشد، افراد بدون فهم معانی، به ذکر آن مشغول می‌شوند! عجیب‌تر اینجاست که مریبان این روش معتقدند تکرار «مانترا» آن‌گاه مؤثر خواهد بود که بدون توجه به معنای درونی و عمیق آن انتخاب شده باشد.^۱ به زعم آنان، توجه به معنای درونی مانترا، باعث می‌شود که روند به خلسه رفتن، به کندی صورت گیرد!

در این روش، انسان، با خیره شدن به شعله یک شمع یا تمرکز بر روی تنفس، می‌کوشد توجه خویش را از هرچیز دیگری منصرف سازد. با جلب تمام توجه به آن شعله یا کلمه، خلسه‌ای نسبی برای آن فرد حاصل می‌شود. در این هنگام است که او به همه مسائل موجود در ذهنش، مشغول نمی‌شود. قابل توجه اینکه در مبانی برخی دیگر از فرقه‌های معنویت‌گرا، حتی توصیه می‌شود که ذهن را تعطیل کنند.

عدم توجه به معنای اوراد، کنار گذاردن عقل و ذهن، نفی تفکر است. ولی عرفان اسلامی با دعوت به تفکر و تدبیر در حقایق، بازداشتن از خاطرات و خیالات باطل و بیهوده، قدرت اندیشه را در آدمی تقویت کرده و به کمال می‌رساند.

مثالی دیگر: یوگا دارای شش شاخه است یکی از این شاخه‌ها «کرمه یوگا» نام دارد که به اعتقاد مریبان این روش، فراموش کردن گذشته و آینده، به انسان آرامش را به ارمغان می‌آورد.^۲

از دیگر مدعیان معنویت نوپدید، اشو^۳ می‌باشد. در عقل ستیزی این معنویت کافی است بدانید که او فیلسوفان را سگ^۴ و علم و تکنولوژی جدید را ترس و تهدید معرفی می‌کند!^۵ او در تعالیم خود چنین می‌گوید: «نباید با ذهن مشورت کرد بلکه باید آن را

۱. هارولد اچ بلوفیلد، تی ام، دانش هوشیاری خلاق، ترجمه فرخ سیف بهزاد، تهران: نشر خاتون، ۱۳۷۶، ص ۴۸.

۲. سوامی، شیواناندا، جاپا یوگا، ص ۸۶.

۳. اشو در ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۱ در روستای کوچووادا در هند متولد شد. او در سال ۱۹۷۴ «کمون بین‌المللی اشو» را در هند تأسیس کرد. هر روز پذیرای هزاران نفر از سرار دنیا برای یافتن آرامش و معنویت بدن‌جا می‌روند. او مدعی معنویت جدید بوده و تقریباً همه آثارش در ایران ترجمه شده است. رابطه جنسی، از مسائل اساسی در آیین اوست. وی در سال ۱۹۸۵ به خاطر فساد اخلاقی از آمریکا اخراج شد.

۴. اشو، راز بزرگ، ترجمه روان کهریز، ص ۲۴۹.

۵. محمدتقی فعالی، آفتاب و سایه‌ها، نجم‌الهدی، چ چهارم، ص ۱۲۶.

به مرخصی فرستاد. چون نمی‌توان بدان اعتماد کرد. کسی که به تحلیل‌های ذهن گوش فرا دهد او حقیقت را به روی خود بسته است.^۱ در جای دیگر می‌گوید: «عقل را فراموش کن! و بگذار عشق، مرکز تو، آماج تو باشد.»^۲

ولی در کلام حسین بن علی علیه السلام، اساساً عقل و نشست با اهل خرد، مایه قبولی اعمال در آستان خداوندگار است: «من دلائل علامات القبول، الجلوس الی اهل العقول».^۳ سیر و سلوک عرفان اسلامی از آغاز با تفکر، همراه است. اندیشیدن، جزء جدانشدنی مراقبه در سلوک عرفان دینی است، زیرا مراقبه در فرهنگ عرفان دینی، ملازم ذکر است و ذکر، یعنی تامل در صفات جلال و جمال الهی. هم از این روست که قرآن کریم در بسیاری از آیات خویش به تفکر فرا می‌خواند و یادآوری و ذکر را بر بندگان تکلیف می‌کند. خداوند تعالی در قرآن کریم صاحبان خرد را کسانی معرفی می‌فرماید که خدا را به یاد آورند و در آفرینش او بیندیشند:

﴿ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات لاولی الالباب الذین

یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض﴾؛
همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و گردش شب و روز، نشانه‌هایی برای صاحبان مغز است، کسانی که خدا را در حال ایستاده و نشسته و خوابیده بر پهلو به یاد می‌آورند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند.^۴

در مکتب عرفانی امام حسین علیه السلام، نماز جایگاهی ویژه دارد چرا که محبوب سید الشهداست.^۵ نماز علاوه بر آرامش به انسان، هوش‌مندی و معرفت می‌دهد. در قاموس روایی ما نماز مطلوب، آن است که نمازخوان بداند که چه می‌گوید و به اذکار و کلمات آن توجه کند و در معانی آن اندیشه ورزد. اما نماز به‌راستی فرصت تعالی آگاهی انسان از اندیشه تا شهود است؛ از این رو نباید در حالت خستگی و خواب‌آلودگی به سوی نماز رفت؛ زیرا در این صورت نمی‌توان به معانی آن اندیشید و اسرار آن را مشاهده کرد.

۱ راز بزرگ، ص ۵۴.

۲ اشو، الماس‌های اشو، ترجمه مرجان فرجی، ص ۶۷.

۳ گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۸۱۵.

۴ آل‌عمران، آیه ۱۹۱.

۵ «فهو یعلم انی کنت احب الصلاه له»، جوادی آملی، حکمت عبادات، ص ۲۳۲.

طرح اندیشه‌سوزی ادیان جدید، در جذب پیرو نیز کاملاً مشهود است. این ادیان برای جذب اعضای جدید از روش شرکت‌های هرمی استفاده می‌کنند هر عضو، چند عضو دیگر را گرد می‌آورد. و برای متعصب ساختن عضو نسبت به کیش جدید، او را شستشوی مغزی^۱ می‌دهند آنان را از خانواده جدا و در خانه‌های تیمی و مراکز خاص مستقر می‌کنند و تمام روابطشان را تحت کنترل درمی‌آورند تا اعضا باید بی‌چون و چرا از رهبری فرقه اطاعت بکنند!

ولی در عرفان حسینی، هرگونه تسلیم از روی معرفت و اختیار است. «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً»^۲ آن حضرت آن‌گاه که فرشتگان آسمان برای یاریش رخصت طلبیدند، اگر اذن می‌فرمود، حداقل از روی رعب، از قتلش دست می‌کشیدند ولی او اجازه نداد. چرا که در مرام ایشان ایمان، باید از معرفت برخیزد و بر دل نشیند.^۳ به حق که در نهضت او نه تنها عقل در خانه تعطیلی ننشست بلکه به پویایی و شکوفایی رسید.^۴

۲- عرفان حسینی، دغدغه‌مند؛ عرفان‌های کاذب، غفلت‌گرا:

غفلت و به تعبیر دقیق‌تر، اغفال و تغافل،^۵ از شاخص‌های مهم ادیان جدید است. حال آنکه توجه به حال دیگر انسان‌ها از آموزه‌های اصیل مکتب حسینی است. به تعبیر پدر بزرگوارش: انسان‌ها یا برادر دینی تو اند و یا برادر خلقی تو.^۶ اما اساس مدیتیشن، برای رسیدن به آرامش، این است که فرد در گام نخست، به هر آنچه در ذهنش می‌گذرد بی‌تفاوت باشد. عدم دغدغه‌مندی به مشکلات خود و دیگران، از اصول مدیتیشن است! و این بی‌خیالی را آرامش نام می‌دهند! این کجا و آموزه‌های بلند شیعی کجا! پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

هرکس شب به سحر برساند و به امر مسلمین نیندیشد، او را شاید که مسلمان نامید.^۷

1. brain wash.

۲. انسان، آیه ۳.

۳. چنانکه قرآن می‌فرماید: «لما يدخل الايمان في قلوبهم».

۴. تعبیری از حکیم فرزانه آیه الله جوادی آملی.

۵. یعنی تعمداً خود را به غفلت و نادانی زدن.

۶. «اما اخ لك في الدين او نظير لك في الخلق» نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۷. «من اصبح و لم يهتم بامور المسلمين فليس منهم» کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

در عرفان حسینی، باید دغدغه‌مند همه انسان‌ها بود. در این مکتب اگر احساس کردی که حر و یارانش علی‌رغم اینکه با تو دشمن‌اند - تشنه‌اند باید آب داد. در این مرام آرامش یعنی دغدغه‌مندی برای هدایت همه انسان‌ها حتی دشمن. امام حسین علیه السلام در آخرین لحظه‌های روز عاشورا باز از راهنمایی دست برنداشت. هر رجز او هر خطبه او، نشان از هدایت انسان دارد. معنویت عاشورای می‌گوید: نباید خانواده وهب را بدون هدایت رها کرد. نباید بخاطر آرامش خود و خانواده، مشکلات جامعه‌ای را که یزید خلیفه آن بود، به فراموشی سپرد.

عرفان خدامحور، از خلق و جامعه غافل نیست. عرفانی که درد خدا دارد از درد خلق داشتن برحذر نیست و در آن هم سیر از خلق به سوی خالق و هم سیر از خالق به سوی خلق هست^۱ بشنوید سخن عارفی شاگرد در مکتب عرفان حسین را که می‌گوید:
ادعای عرفان با بی‌اعتنایی به انسان‌ها، مساوی ادعای عرفان با بی‌اعتنایی به خداوند ذوالجلال است.^۲

جای بسی تأسف است که عرفان مخصوصاً موقعی که اصطلاح تصوف به آن پوشیده می‌شود، تنها برای برکنار ساختن فرد از جامعه استخدام می‌شود. گویی فرد موقعی به مقام والای عرفان نایل می‌گردد که از دیگر انسان‌ها قهر کرده و به تنهایی عازم کوی ربوبی گشته باشد...^۳

این همه دردمندی به آلام انسان کجا و اصل تغافل از درد انسان برای رسیدن به آرامش مادی کجا! او آبروی خود را برای نجات بشر از غفلت و گمراهی، فدا نمود: «و بذل مهجته فیک ، لیستتقد عبادک من الجهالة و حیره الضلالة»^۴ به تعبیر شهید مطهری، منظور از جهالت در اینجا، بی‌سوادی و نادانی نیست بلکه فراموش‌کاری و غفلت است.^۵
موضع دردناک‌تر از تغافل اینکه، برخی از این ادیان، کشتن افراد دیگر را به بهانه دست‌یابی به شادی تجویز می‌کنند! در تازه‌ترین خبر، یک گروه شیطان‌پرست در

۱. محمدجواد رودگر، مقاله «همگرایی عقل و عشق در نهضت حسینی»، دو ماهنامه رواق اندیشه، همگرایی

عقل و عشق در نهضت حسینی، ش ۱۶، ص ۷۳.

۲. علامه محمدتقی جعفری، عرفان الله، ص ۸۴.

۳. همان، ص ۱۱۲.

۴. فرازی از زیارت اربعین ابی عبدالله الحسین علیه السلام.

۵. استاد مطهری، حماسه حسینی، ج ۳، ص ۴۷.

مسکو، چهار نوجوان را ربوده، و کشتند و قسمت‌هایی از بدن آنها را خوردند. قربانیان سه دختر و یک پسر نوجوان بین ۱۶ تا ۱۷ سال بودند که هر کدام با ۶۶۶ ضربه چاقو (عدد مقدس شیطان‌پرستان) از پای درآمده بودند. شیطان‌پرستان را قربانی شیطان می‌کنند تا از خشم شیطان در امان بمانند!^۱
امام حسین علیه السلام در دعای عرفه می‌فرماید:

الهی علمتُ باختلافِ الاثارِ و تنقلاتِ الاطوارِ انَّ مرادکَ منی ان تتعرَّفَ الیَّ فی کلِّ شیءٍ حتی لا اجهلکَ فی شیءٍ؛

بار الها با دگرگونی‌های روزگار دانستم که خواسته تو از من این است که در همه چیز تو را ببینم و بشناسم و در هیچ چیز از تو غافل و جاهل نباشم.

گاندی، این ارزش‌ها را در عرفان حسین بن علی علیه السلام دید، که وی را الگوی خود گزید نه رهبران عرفان‌های جدید هند را، آیا مایه تأسف نیست که به سبب عدم معرفی عرفان عاشورایی، اینک این جوان ما باشد که از دالائی لاما^۲، سای بابا^۳ و اشو، درس معنویت یاد گیرد!

۳- عرفان حسینی، پویا و حماسه‌ساز؛ عرفان‌های کاذب، تخدیری:

هنوز صدای سید حسن نصرالله که مایه پیروزی جنگ ۳۳ روزه را عاشورا اعلان کرد در گوشمان طنین‌انداز است. پیروزی نهضت اسلامی ایران و جنگ هشت ساله همه وامدار حادثه طف است. خاطرات رزمندگان و نیز بیانات امام و رهبری سندی محکم بر این ادعاست. رهبر فقید انقلاب با درک این واقعیت بود که فرمود:
ما هرچه داریم از محرم و صفر است.

خلاصه اینکه عرفان عاشورایی، با حماسه همراه است.

عرفان مخلصانه و راستین، بستر رویش و پیدایش جهاد مصلحانه و شهادت‌طلبی است. و جهاد مصلحانه میوه‌ای است که تنها بر تنه تنومند عرفان مخلصانه می‌روید. عارف هر آنچه را مانع و حاجب تجلی و تذکر اسماء خداوند تبارک و تعالی باشد،

۱. روزنامه آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۷/۲۴، ش ۲۴۷۳، ص ۴.

۲. رهبر معنوی بوداییان تبت.

۳. اسم اصلی اش، سوامی ساتیا سای بابا است، او از مدعیان جدید عرفانی در هند است که در نوامبر ۱۹۲۶ در هند متولد شد. او با انجام سحر و جادو، پیروان زیادی را جمع کرده است.

ناخوشایند می‌دارد و به جهاد با آن می‌پردازد. در سایه سار این مکتب است که چمران، هم دانشمند و هم مبارزی کم‌نظیر می‌شود.

ولی در عرفان‌های جدید فرد با استعمال داروهای روان‌گردان مثل: پیوت و مسکالین و اسید لیزرژیک، اشباحی می‌بینند بدون اینکه روح سلوک کرده، عروج یافته و ریاضیت کشیده باشد.

عرفان اسلامی عرفانی پویاست و انسان را به مقابله با ظلم و ناملایمتی‌ها فرا می‌خواند ولی معنویت‌های نوپدید، روحیه انفعالی را توصیه می‌کند. جیمز هویت می‌نویسد:

ایجاد تغییر در خودمان خیلی راحت‌تر و عملی‌تر از آن است که برای تغییرات و تحولات اساسی و بنیانی در محیط کوشش کنیم.

این نوع رویکرد، تحول خواه و نوآور نمی‌تواند باشد.

به زعم نگارنده، این عرفان‌ها، ساخته ایادی استکباری است؛ چرا که غافل‌سازی مخاطب و نیز ایجاد روحیه راضی بودن به وضع موجود و عدم تحول خواهی در مردم، بهترین اهرم برای سلطه بر ملت‌ها می‌باشد. از این روست که بیشتر رهبران این ادیان، با صهیونیست‌ها تعامل و رفت‌آمد دارند. اینکه دلایلی لاما برترین نشان افتخار آمریکا را طی مراسمی در کنگره دریافت می‌کند و برنده جایزه صلح نوبل می‌شود و بیش از ۵۰ دکترای افتخاری می‌گیرد، همه در این راستا قابل تفسیر است. آیا عرفان کاستاندا که تلقین می‌کند با خوردن گیاه مخدری به نام «پیوت» همه چیز را خوب می‌بینی و هیچ بدی را در دنیا نخواهی دید، در راستای زایل کردن حس «تبری» نیست. ولی در مکتب امام حسین علیه السلام، تنها «سلم لمن سالمکم» کافی نیست بلکه باید «حرب لمن حاربکم» هم بود.

شاید بی‌ربط نباشد که «اشو» از گاندی رهبر مبارزه با استعمار چنان نفرت دارد که حتی یک کار او را تحسین نمی‌کند.^۱ از آن طرف چهار سال در آمریکا تربیت دینی و علمی می‌بیند!

عرفان اسلامی با سیاست عجین است. در مکتب عرفانی امام حسین علیه السلام است که عارفی سیاست‌مدار و سیاست‌مداری عارف چون امام خمینی تربیت می‌شود. دشمن از

۱. آفتاب و سایه‌ها، ص ۱۳۷.

این نوع عرفان که موقعیت او را به خطر می‌اندازد در هراس است، لذا به جوانان ما، عرفان‌های نوپدید را به عنوان کالای جای‌گزین در بسته‌های جذاب معرفی می‌کند. مهم‌ترین پیام ادیان جدید، تحمل‌پذیر کردن استیلا و استثمار سلطه‌گران سرمایه‌دار جهانی است. اما نماز، قیام و حرکت است. قیام نماز به معنای آمادگی برای قیام الله و حرکت برای حق است. در نظر عارفان مسلمان، قیام نماز نمادی از قیام عبد به حق و توحید عملی است.

آرامش و رضایت‌مندی، خوب است و بخشی از تعالیم معنوی اسلام را تشکیل می‌دهد، اما نه به قیمت از دست رفتن عزت انسانی و نه به بهای پذیرش ستم و سلطه دنیامداران. معنویت حسینی علیه السلام، هرگونه آرامش روان را در سایهٔ عزت مطلوب می‌شمارد. بنابراین، این عرفان حسینی است که قیام می‌سازد نه عرفان سکولار. عارف حسینی، با سکوت در برابر فسادگران و سکون در مقابل ستمگران نمی‌سازد، بلکه برمی‌خیزد و می‌ستیزد تا غروب و غربت و غبار را با جهاد اصغر و اکبر خویش، از چهره حقیقت بزدايد.

۴- عرفان حسینی، مبتنی بر عقل و وحی؛ عرفان‌های کاذب، مشجون از سحر و خرافه:

طی چند دههٔ اخیر سحر و جادو که از سوی کلیساهای سنتی تحریم شده بود، مجدداً مورد اقبال قرار گرفته است^۱ جالب است بدانید که علی‌رغم ادعای عقلانیت در غرب، ساحران حتی در مسائل سیاسی و ورزشی نیز نظر می‌دهند! برای نمونه «عرفان تولتک» بیش از آنکه عرفان باشد، به سحر، رؤیابینی و استفاده از گیاهان و داروهای توهم‌زا اعتقاد دارد. و یا «کارلوس کاستاندا»^۲ از شاخص‌ترین مبلغان عرفان ساحری محسوب می‌شود. او معتقد است با خوردن گیاهانی مثل «تاتوره»، «پیوت»^۳ و قارچ توهم‌زا، به حقایق دست یافت.

سحر و جادو، بر اساس گواهی آیات الهی و اولیا و تجربه، تأثیراتی در عالم خارج دارد، اما به دلیل آثار سوء و ویرانگری که می‌توند در زندگی افراد ایجاد کند، استفاده از این فن و ابزار، بر اساس دستورهای دینی، ممنوع است.^۴

۱. سیدحسین نصر، مقاله «دین در غرب جدید»، مجله مدارا، شهریور ۱۳۸۷، ش ۲.

۲. کارلوس کاستاندا در سال ۱۹۳۵ در برزیل به دنیا آمد.

۳. گیاهی که به اعتقاد کاستاندا با خوردن آن انسان همه هستی را خوب می‌بیند بدی در آن راه ندارد.

۴. در قرآن آیات متعددی راجع به سحر داریم. سوره طه آیات ۷۶ - ۵۷ و نیز سوره اعراف آیه ۱۱۶؛ یونس، آیه ۸۱ و آیات دیگر.

چرا در غرب که مدعی تمدن و عقلانیت است، جادو، خرافه و شیطان این همه جایگاه پیدا می‌کند؟ جواب این سوال به آموزه‌های منحرف مسیحیت برمی‌گردد. شیطان در مسیحیت تحریف شده دارای قدرتی بی‌مانند است. او خیرخواه انسان است، زیرا سبب شده انسان از میوه جاودانگی و دانایی و خرد بخورد. همه این تحریفات و پندارهای باطل است که برای ابلیس عظمت و حتی قداست به ارمغان آورده است. از این رو شیطان در غرب موجودی، قابل پرسش انسان و دارای نیروی غیبی یاریگر شناخته شده است. از این رو در غرب، برای شفا خواهی و کسی نیروهای باطنی، به شیطان متوسل می‌شوند! امروزه شیطان پرستی، از مکاتب فعال در حوزه موسیقی، دین و فرهنگ در غرب است.

۵- عرفان حسینی، حاوی لذت‌های معنوی؛ عرفان‌های کاذب، حاوی لذت‌های مادی

از آنجا که دین مسیحیت، انسان را به خاطر گناه آدم، ذاتاً گناه‌کار می‌داند، در مقابل آن تفریط، افراطی به پا خاست به نام اومانیسیم. این مکتب نه تنها انسان را گناه‌کار ندانست بلکه حکومت خدا بر بشر را نیز طرد کرد. و هر گونه خوبی و بدی را با معیار منافع انسانی می‌سنجید. او مانیست‌ها معتقد بودند: حق آن چیزی است که به نفع انسان باشد و هر چه بر نفع انسان نباشد، باطل است! از آن روی لذت و آرامش تنها با محور انسان قابل تفسیر است آن هم انسان مادی! لذا یکی از ابزارهای رسیدن به آرامش، را لذت جنسی معرفی می‌کنند. مثلاً شیطان پرستان نمادی دارند که (Ankh) نامیده می‌شود. این نماد، سمبل شهوت‌رانی و باروری است. امروزه علامت «فمینسم»^۱ برداشت شده از این نماد شیطان پرستان است. و یا در مکتب عرفانی اشو، معرفت از عشق پدید می‌آید و «سکس» بزرگ‌ترین مدیتیشن است، ... عشق از آمیزش جنسی زاینده می‌شود^۲ آیا باید حسرت نخورد که جوان ایرانی اسلامی دنباله‌رو «اشو» باشد کسی که آن قدر به فساد اخلاقی مبتلا شد که در سال ۱۹۸۵ او را از آمریکا هم اخراج کردند.^۳

۱. فمینسم، مکتبی است در غرب که در ایران هم طرفدارانی دارد، این مکتب از تساوی حقوق زن و مرد دفاع می‌کند.

۲. اشو، الماس‌های اشو، ترجمه مرجان فرجی، ص ۲۴۰ و ۳۱۶.

۳. آفتاب‌ها و سایه‌ها، ص ۱۳۷.

از آنجا که این ادیان، معادی را در پس خود نمی‌بینند و همه بهشت و و ارزش‌ها را با نگاه مادی، در این کرهٔ خاکی جست‌وجو می‌کنند، لذا هرگونه آرامش و لذت نیز منتهی به این دنیا هست و بس. تنها رگه بسیار ضعیف از معاد، باور به قانون سمساره است که برگرفته از آئین هندو است. سمساره عبارتست از تناسخ. به باور آنها، ارواح دوباره در قالب جسمی دیگر به این جهان می‌آیند. و معاد یعنی برگشت به همین کره خاکی در قالب جسمی دیگر. لذا ترویج همجنس‌بازی، تغییر جنسیت برای لذات جویبی کامل! از مفاد این ادیان می‌باشد.

ولی «وهب» شب اول ازدواج خود را در کربلا سپری می‌کند تا مبادا چراغ هدایت انسان و کشتی نجات بشریت^۱ بی‌ناصر بماند.

در مکتب امام حسین علیه السلام، شادی هم رنگی معنوی دارد. بریر شب عاشورا شادمان بود و می‌خندید.^۲ ولی در این ادیان شادی با قرص‌های روان‌گردان و موسیقی‌های مبتذل همراه با پارتی‌های مختلط است. در عرفان حسینی، حتی گریه هم شادمانی می‌آورد، به فرموده پیامبر، چشمی که در عزای حسین بگیرد، در قیامت خندان و شادمان است «کل عین باکیه یوم القیامه الا عین بکت علی مصاب الحسین فانها ضاحکه مستبشرة بنعیم الجنة»^۳ هر چشمی در روز قیامت، گریان است؛ غیر از چشمی که بر مصیبت‌های امام حسین علیه السلام گریسته است که او شاداب و خندان به نعمت‌های بهشتی است. آری این شادی حقیقی است که با یاد حسین علیه السلام بر چهره امام معصوم علیه السلام نیز چهره می‌افکند. محمد بن جعفر قرشی از ابی عماره منشد نقل کرده که وی گفت:

هرگز ذکر نشد حسین بن علی علیه السلام نزد ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام در روزی که در آن روز آن جناب تا شب متبسم و خندان دیده شوند.^۴

لذت در عرفان حسینی، با مناجات همراه است ولی در عرفان‌های جدید با موسیقی‌های تند و مبتذل.

۱. ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة.

۲. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲.

۳. همان، ج ۴۴، ص ۲۹۳.

۴. حدیثی محمد بن جعفر قرشی، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن الحسن بن علی، عن ابن ابی عمیر، عن علی بن المغیره عن ابی عماره المنشد قال: ما ذکر الحسین بن علی علیه السلام عند ابی عبدالله جعفر ابن محمد علیه السلام فی یوم قط فرئی ابو عبدالله علیه السلام فی ذلک الیوم متبسما قط الی اللیل.

در عرفان حسینی، کرامت انسانی زن، در سایه عفاف تامین می‌شود. امام حسین علیه السلام و زینب کبری و دودمان رسالت، چه با زبان چه با عمل خویش، یادآور این گوهر ناب گشتند. حسین بن علی علیه السلام به خواهران خویش و به دخترش، فاطمه، توصیه فرمود که اگر من کشته شوم، گریبان چاک نزنید، صورت مخراشید.^۱ امام سجاد علیه السلام نیز تا می‌توانست، مراقب حفظ شئون آن بانوان بود. در کوفه به ابن زیاد گفت:

مرد مسلمان و پاکدامنی را همراه این زنان بفرست، اگر اهل تقوایی!^۲

به نقل شیخ مفید، پس از کشته شدن امام حسین علیه السلام وقتی گذر عمر سعد، به زنان و دختران امام شهدا افتاد، زنان بر سر او فریاد زدند و گریستند و از او خواستند که آنچه را از آنان غارت شده به آنان باز گردانند، تا به وسیله آنان خود را بپوشانند.^۳ به نقل سید بن طاووس، شب عاشورا امام حسین علیه السلام در گفت‌وگو با خانواده‌اش آنان را به حجاب و عفاف و خویشن‌داری توصیه کرد.^۴ دختران و خواهران امام، مواظب بودند تا حریم عفاف و حجاب اهل‌بیت پیامبر تا آنجا که می‌شود، حفظ و رعایت شوم. ام کلثوم به مامور بردن اسیران گفت:

وقتی ما را وارد شهر دمشق می‌کنید از دری وارد کنید که تماشاچی کمتری داشته باشد. و از آنان درخواست کرد که سرهای شهدا را از میان کجاوه‌های اهل‌بیت فاصله بدهند تا نگاه مردم به آنها باشد و حرم رسول‌الله را تماشا نکنند.^۵

از اعتراض‌های شدید حضرت زینب علیه السلام به یزید، این بود که:

ای یزید! آیا از عدالت است که کنیزان خود را در حرمسرا پوشیده نگاه داشته‌ای و دختران پیامبر را به صورت اسیر شهر به شهر می‌گردانی، حجاب آنها را هتک کرده، چهره‌هایشان را در معرض دید همگان قرار داده‌ای که دور و نزدیک به صورت آنان نگاه می‌کنند؟!^۶

با آن‌که زبردست دشمن بودند و داغدار و مصیبت‌زده از منزلی به منزلی و از شهری به شهری و از درباری به درباری آنان را می‌بردند، با نهایت دقت، به حفظ شان و مرتبه یک زن پاکدامن و متعهد مراقبت داشتند.

۱. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۴۰۶.

۲. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۵۰.

۳. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۱۱۳.

۴. الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۴۲.

۵. همان، ص ۱۸۱.

۶. همان، ص ۲۱۸.

ابن شهر آشوب، شعری را از امام نقل می‌کند که در آن امام لذت‌های ناپایدار دنیا را ناپایدار و فریفته شدن به آن را ساده لوجی و کم عقلی می‌شمارد.^۱
یا اهل لذه الدنيا! لا بقاء لها إن إغتراراً بطل ضائل، حمق

۶- عرفان حسینی، خدامحور؛ عرفان‌های کاذب، غیرالهی

خدا در عرفان امام حسین علیه السلام موج می‌زند. دعای عرفه آن حضرت، با حمد خداوند می‌آغازد:

الحمد لله الذي ليس لقضائه دافعٌ ولا لعظائه مانعٌ ولا كصنعه صنعٌ صانعٍ وهو الجوادُ
الواسع فطر اجناس البدایع و اتقن بحكمته الصنایع...؛

سپاس خدایی را که کسی بر حکمتش غلبه ندارد و بخشش او را باز ندارد. هیچ سازنده‌ای چون او نسازد و هر آینه اوست بخشاینده‌ای گشاده دست، که گونه‌های بسیار آفرید و همه را به دانایی خویش مستحکم نمود.

او چنان رنگ خدا را در زندگی می‌دید که هر بلایی از طرف او را به آغوش می‌کشید. حضرت زمانی که اراده فرمودند از مکه به سمت عراق خارج شوند، خطبه‌ای خواندند که ضمن آن اشتیاق خود به شهادت و افتخارآمیز دانستن آن را بیان نمودند:

رضی الله رضانا اهل البيت، نصبر على بلائه و يوفينا اجر الصابرين.^۲

خلوص آن حضرت و همواره در پی کسب رضایت الهی بودن، تکیه داشتن بر خدا و امید بستن به نصرت و عنایت او در تمامی لحظات حادثه عاشورا متجلی است. در خطبه‌ای که شب عاشورا در جمع اصحاب خویش ایراد نمودند، حمد را در حال سرا و ضراً از آن خداوند دانستند. حتی در تقدیر از اصحاب خویش، نفرمودند که شما باوفایید، بلکه به خداوند عرض کردند: خدایا، من بهتر و باوفاتر از اصحاب خویش سراغ ندارم:

اللهم انى لا اعرف اهل بيت ابر ولا ازكى و لا اطهر من اهل بيتى و لا اصحابا خيراً من اصحابى.^۱

۱. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۹۲۸، به نقل از: المناقب، ج ۴، ص ۶۹.

۲. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶.

صبح عاشورا با دیدن حمله سپاه دشمن، اول با خدای خویش مناجات می‌کند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ ثَقْتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِهِ ثِقَةٌ وَعَدَّةٌ، كَمْ مِنْهُمْ يَضْعَفُ فِيهِ الْفَوَازُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَخْذَلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَيَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ، أَنْزَلْتَهُ بَكَ وَشَكْوَتَهُ إِلَيْكَ، رَغْبَةً مَنَى إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّحَبَةً عَنِّي وَكَشَفْتَهُ وَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ؛^۲

خدایا در هر گرفتاری تو تکیه‌گاه منی و در هر شدت، تو امید منی و در هر چه برایم پیش آید، تو تکیه‌گاه و نیرو و ساز و برگ منی. چه بسا اندوهی که دل را سست و انسان را درمانده می‌سازد. دوست، انسان را وامی‌گذارد و دشمن، زبان شمت‌ت می‌گشاید. من همه را با تو در میان گذاشته و به تو شکایت کرده‌ام؛ به خاطر عشقی که به تو دارم، نه به جز تو؛ توهم آن اندوه را برطرف ساخته‌ای. پس تو ولی هر نعمت و صاحب هر نیکی و نهایت هر خواسته‌ای.

در آخرین لحظات قبل از شهادت، نیز باز خدا را در همه احواش حضور می‌دهد:

اللَّهُمَّ مَتَعَالَى الْمَكَانِ، عَظِيمُ الْجَبُوتِ... ادْعُوكَ مُحْتَاجًا وَارْغُبُ إِلَيْكَ فَقِيرًا وَافْرَعُ إِلَيْكَ خَائِفًا وَابْكِي إِلَيْكَ مَكْرُوبًا وَاسْتَعِينِ بَكَ ضَعِيفًا وَاتَوَكَّلْ عَلَيَّكَ كَافِيًا.^۳

در نیایش عرفه‌اش چنان خدا را ندا می‌زند که گویی جز خدا نمی‌بیند:

... أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ. أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ. أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ. أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ. أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ.

عرفان‌های مدرن و پست مدرن، بدون اعتقاد به خدا و شریعت، می‌خواهد به انسان معاصر، نشاط و آرامش را ارمغان دهند! هایدگر در تفسیر این جمله نیچه که گفت: [العیاذ بالله] خدا در غرب مرده است. می‌گوید منظور این است که در زندگی عادی مردم رنگ خدایی نیست. چون بهشت این بشر، همین کره خاکی است. همه آرزوهای خود را در این صحنه می‌بیند و ابزار رسیدن به این بهشت را هم در اختیار دارد. ابزار رسیدن به این بهشت، علم و تکنولوژی است؛ از این رو، خدا در زندگی بشر غایب

۱. معهد تحقیقات باقرالعلوم، موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۹۵.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴.

۳. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۵۰۹.

می‌شود. هدف این فرقه‌های عرفانی هم، دستیابی به آرامش روانی^۱ در برابر اضطراب‌هاست و اصلاً، خدا، دین و معاد برای آنها مطرح نیست. اگر محور خدا باشد، هرگونه اعتراض نیز با منطق و البته بدون کشتن افراد بی‌گناه و هرج و مرج، انجام می‌گیرد لذا حسین بن علی علیه السلام در همان آغاز حرکت تصریح کرد که «اینی لم أخرج أشراً و لا بطراً»؛ من برای شورش و طغیان، قیام نکرده‌ام. ولی هرج و مرج از موضوعات پررنگ در جنبش‌های نوپدید دینی است. بدین جهت است که برخورد با این فرقه‌ها در برخی کشورها به طور جدی تعقیب می‌شود. از علامت شیطان‌پرستان حرف A انگلیسی است که از اول کلمه (Anarchy) به معنای هرج و مرج، گرفته شده است. این نماد جوانان را به تخریب همه قوانین و ارزش‌ها توصیه می‌کند. گروه‌های هوی‌متال، از این علامت بیشتر استفاده می‌کنند. در نهضت امام حسین علیه السلام تلفیق عقل، عشق، خرد، محبت، ادراک، اشراق، دماغ و دل را به خوبی می‌توان یافت و با تأملی دوباره در آغاز و انجام آن قیام، رگه‌های متعدد و نمونه‌های متکثر بر اثبات این مدعا وجود دارد. به فرموده قرآن، آرامش تنها در آستان ایمان واقعی است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾؛

در حقیقت، کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند و می‌گویند: هان! بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.^۲

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛
محققاً کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد.^۳

جوان پیرو این معنویت‌ها نمی‌تواند خلاق، پویا، مخترع و افتخار آفرین باشد. او آرامش ندارد بلکه انفعال روانی دارد.

1. Tranquility.

۲. فصلت، آیه ۳۰.

۳. احقاف، آیه ۱۳.